

## بررسی سرقت حدی و مجازات آن با رویکرد قانون مدنی اسلامی ۹۲

مریم غریب دوست

دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران

### چکیده

جرم سرقت مورد نکوهش همه ی قوانین و ادیان است که در اعصار گذشته تا به حال مجازات های متفاوتی برای آن مقرر ساخته اند در سوره ی مائده آیه شریفه ۳۸ قطع دست دزد را مقرر فرموده است در جایکه می فرماید «السارق السارقه فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالاً من الله و الله عزیز حکیم» دست مرد و زن دزد را به کیفر عملشان ببرید این عقوبتی از جانب خداست که برای آنان مقرر داشته و خدا مقتدر و داناست. سرقت در علم حقوق از مباحث حقوق جزاء اختصاصی است و سرقت مستوجب حد نیز یکی از انواع سرقت هاست که مجازات آن در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی بیان شده است از آنجایی که اموال شخصی و دولتی همواره در معرض سرقت سارقین قرار داشته و دارد این مختصر به توضیح این جرم اختصاص یافته امید است مورد توجه قرار گرفته و مفید فایده باشد.

واژه های کلیدی: تعریف جرم سرقت، تبیین عناصر جرم سرقت، عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت، عنصر قانونی جرم سرقت، شرایط سرقت مستوجب حد

**۱- مقدمه**

سرقت از جمله جرائمی است که سابقه دیرینه در زندگی انسان دارد و می توان گفت پیشینه آن از هنگام شروع زندگی جمعی و تحقق مفهوم مالکیت بوده و همواره مورد تقبیح و مجازات بوده است از دیر باز که کاروان زندگی بشر در مسیر نظم و قانون قرار گرفته ، سرقت در زمره رفتار ناپسند و ممنوع قرار داشته است. به دلیل سهولت نسبی ارتکاب سرقت در مقایسه با جرائمی چون کلاهبرداری و محسوس بودن سود به دست آمده از آن، بخش فراوانی از جرائم ارتکابی در کشورهای مختلف به آن اختصاص دارد. امروزه در بیشتر کشورهای جهان به دلیل تنوع و گستردگی سرقت ، جازات های متفاوتی نیز برای هریک در نظر گرفته شده است، مانند : سرقت ساده، سرقت توام با آزار، سرقت از منازل مسکونی، سرقت در شب، سرقت از بانکها و صرافیها و سرقت از مغازه ها، در قوانین کیفری ایران، از هنگام تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مقررات مربوط به سرقت، دچار دگرگونی های فراوانی شده است و به دنبال تغییرات پدید آمده، پرسشها و ابهاماتی درباره تعریف سرقت و مقررات آن و ربودن مال غیر و تفاوت آن با سرقت به وجود آمده است. نوشته حاضر، ضمن بررسی مواد مربوط به سرقت و ربودن مال غیر و تعریف هر یک از آنها، تلاش کرده است تا با بیان تفاوت بین سرقت و ربودن مال غیر، موارد ابهام را برطرف نموده و پرسشها را پاسخ دهد.

**هدف تحقیق :**

هدف از این تحقیق بررسی مفاهیم و مبانی جرم سرقت حدی در فقه و حقوق موضوعه می باشد.

**سئوالات تحقیق :**

- ۱- عناصر تشکیل دهنده جرم سرقت چیست؟
- ۲- سارق طبق چه شرایطی قابل مجازات نیست؟ شرایط اجرای حد سرقت چیست؟
- ۳- مال مسروقه باید دارای چه شرایطی باشد؟
- ۴- مجازاتهای سرقت حدی چیست؟

**فرضیات تحقیق :**

- ۱- تحقق جرم سرقت مستلزم انجام فعلی از قبیل ربودن یا ربایش، کش رفتن ، برداشتن، بلند کردن، گرفتن و قاپیدن مال دیگری بدون رضایت و اطلاع مالک با تصرف آن مال است. در سرقتهای مستلزم تعزیر ظاهراً به نظر می رسد دادگاهها عدم رضایت و عدم اطلاع مالک یا دارنده، مال را از لوازم عمل مخفیانه در سرقت تلقی و برای تحقق مفهوم ربودن کافی می دانند.
- ۲- در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد:
  - (۱) صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند.
  - (۲) صاحب مال پیش از شکایت ، سارق را نبخشیده باشد.
  - (۳) صاحب مال پیش از شکایت، مال را به سارق نبخشیده باشد.
  - (۴) مال مسروقه قبل از ثبوت جرم نزد قاضی، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید.
  - (۵) سارق قبل از ثبوت جرم ، از این گناه توبه نکرده باشد.
- ۳- طبق ماده ۲۶۸ ق م از شرایط مال مسروقه این است که:
  - (۱) مالکیت داشته باشد.
  - (۲) مال موقوفه نباشد (البته به عقیده بعضی از اساتید موقوفه عام منظور است)
  - (۳) مال دیگری باشد و شخص هیچ حقی (دینی، عینی) نسبت به این مال نداشته باشد.
  - (۴) منقول باشد.

۵) مال مسروقه در حرز باشد و سایر شرایط .....  
 ۴- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند.  
 ۲- در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.  
 ۳- در مرتبه سوم حبس ابد  
 ۴- در مرتبه چهارم اعدام ولو سرقت در زندان باش

### روش تحقیق :

از آنجا که روش تحقیق علی الاصول در علم تحقیق کتابخانه ای است و تنها منابع یک پژوهشگر کتاب می باشد که عده ای از حقوق دانان با توجه به قوانین موجود دست به تالیف آنها می زنند و در صورتی که منابع لازم برای انجام تحقیق یافت نشود مشخص خواهد بود که کار تحقیق با مشکلات فراوانی روبرو خواهد بود.

### ادبیات موضوع:

#### عناصر سرقت

#### عناصر عمومی سرقت

#### گفتار اول ربودن در سرقت : (عنصر مادی)

تحقق جرم سرقت مستلزم انجام فعلی از قبیل ربودن یا ربایش، کش رفتن، برداشتن، بلند کردن، گرفتن و قاپیدن مال دیگری بدون رضایت و اطلاع مالک با تصرف آن مال است. در سرقت‌های مستلزم تعزیر ظاهراً به نظر می رسد دادگاهها عدم رضایت و عدم اطلاع مالک یا دارنده، مال را از لوازم عمل مخفیانه در سرقت تلقی و برای تحقق مفهوم ربودن کافی می دانند.<sup>۱</sup> بنابراین ربودن که رکن اصلی سرقت است عبارتست از تصرف و اثبات وضعیت بر مالی بدون اطلاع و رضایت مالک یا دارنده آن، بدین ترتیب لازمه ربودن این است که شخص سارق مخفیانه و یا علناً ولی با غافلگیر ساختن صاحب مال، بدون جلب توجه و بر خلاف رضایت و میل او مبادرت به تصرف مال دیگری نماید. که شهید ثانی در مسالک الافهام در این مورد می فرماید : و ان یاخذہ سرا فلو هتک قهراً ظاهراً و اخذ لم یقطع و کذا المستامن لو خان. لآن لاول سارقاً بل غاصباً، که سرقت ربودن مال دیگری به طور مخفیانه می باشد و اگر آشکارا کسی مال دیگری را به طور قهری و اجبار ببرد به این سرقت نمی گویند بلکه این فعل غصب مال غیر است. همچنین امین اگر مال را برگرداند و سپرد به آن نمی گویند سرقت نموده است چون ربودنی در کار نبوده است لذا به آن خیانت در امانت می گویند. شیخ در نهاییه در موردی که اجیر مالی را برباید می نویسد : لا قطع علیه استناداً الی رویه سلیمان قال سالت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل استاجراً جیراً فسرق من بیته، هل نقطع یده؟ قال: هذا موتمن لیس سارق و هذا خائن<sup>۲</sup> که این بحث اگرچه در مورد سرقت حدی است ولی موید ماست که اگر ربودن به طور مخفیانه نباشد به آن سرقت نمی گویند بلکه مانند این مورد که اجیر از مال مستاجر خود مالی را می ببرد امام می فرماید این شخص امین است که خیانت نموده است نه سارق. و همچنین بقیه فقها در کتاب خود که مستفاد از روایات است این شرط را لازم دانسته اند که این شرط مشترک بین سرقت‌های تعزیری و حدی<sup>۲</sup>.

۱- ر.ک به کتاب محشای قانون مجازات اسلامی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ذیل ماده ۲۶۷

۲- ر.ک به کتاب حقوق جزای اختصاصی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ص ۳۴۵

**گفتار دوم: منقول بودن مال در سرقت**

منقول بودن مال در سرقت دومین عنصر تحقق جرم سرقت است. موضوع سرقت باید مال منقول باشد ولی بر خلاف مال در کلاهبرداری که دارای مالکیت و ارزشمادی است، ممکن است در سرقت، مال دارای اهمیت مادی نبوده بلکه برای دارنده آن دارای ارزش معنوی یا عاطفی یا اهمیت دیگری باشد. به طور مثال نوشته ای که حاکی از حق مالکیت یا طلبی باشد می تواند موضوع سرقت قرار گیرد ولی ربودن اشیایی که مالیت ندارد مثل هوا یا آب دریا (و یا مشروبات الکلی در نظام اسلامی) سرقت محسوب نمی شود.<sup>۳</sup>

مال موضوع سرقت باید قابلیت ربایش داشته باشد، بنابراین اموال غیر منقول به علت عدم امکان ربایش نمی توانند موضوع سرقت قرار گیرند، تعدیاتی و تصرفاتی که نسبت به اموال غیر منقول بر خلاف رضایت مالک یا تصرف آنها واقع شود ممکن است از نظر حقوقی شامل عناوینی از قبیل غضب، تصرف عدوانی، مزاحمت و یا ممانعت از حق گردد. بعضی از اموال به علت نصب در غیر منقول، در حکم غیر منقول تلقی می گردند، این قبیل اموال به محض جدا شدن از غیر منقول محسوب می شوند و ممکن است موضوع سرقت قرار گیرند. بنابراین لوله ها و تیر آهن در بنا و همچنین درخت و میوه و زراعت مادام که بریده و یا چیده نشده و متصل به زمین هستند در حکم غیر منقول می باشند ولی اگر بزهکار اشیاء مزبور را از غیر منقول جدا نماید به علت منقول تلقی شدن اموال مزبور می توانند موضوع سرقت قرار گیرند.

بدیهی است ربودن میوه یا غله از انبار و یا مغازه، یا مصالح بنایی از محل ساختمان در شرف ساخت، سرقت محسوب می شود. در حقوق جزا منظور از مال غیر منقول هر چیزی است که قابلیت جابجا شدن و ربودن را نداشته باشد بنابراین بر خلاف ماده ۱۷ قانون مدنی که طی آن ابزار و ادوات کشاورزی در شرایط خاصی در حکم غیر منقول تلقی می شوند، وسایل مزبور بدون توجه به احکام قانون مدنی می توانند موضوع سرقت قرار گیرند.

**گفتار سوم: تعلق مال به غیر در سرقت**

سومین عنصراست که مال به غیر تعلق داشته باشد. برای تحقق سرقت بایستی مال موضوع سرقت در زمان ارتکاب سرقت متعلق به سارق نبوده بلکه متعلق به دیگری اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی باشد.<sup>۴</sup> لذا در بحث موضوع مهم است که تشخیص بدهیم که مال مسروقه در حین سرقت متعلق به چه کسی بوده است؟ متعلق غیر بوده یا خیر؟<sup>۵</sup>

چه بسا مال مسروقه قبل از سرقت به خود سارق تعلق داشته ولی در حال سرقت مال او نبوده است و یا وضع مال مسروقه به نحوی باشد که بعد از ارتکاب سرقت، تحت شرایطی آن را قانوناً مالک شود.

مال مسروقه بایستی متعلق به شخص بوده و بلا صاحب نباشد ولی شناسایی مالک و تعیین آن همیشه لازم نیست. بنابراین شخصی که مبادرت به ربودن مالی نماید که متعلق به خود اوست ولی در اختیار و تصرف دیگری است سارق تلقی نمی شود. رسیدگی به دعوای مالکیت مال ربوده شده که مورد ادعای متهم برای نفی جرم سرقت است در صلاحیت همان دادگاه کیفری است. لذا به موجب ۲۶۸ ق م ا، عمل رباینده در صورتی عنوان سرقت خواهد داشت که تعلق به دیگران داشته باشد، بر این اساس، تصرف شخص در مال توقیف شده اش و یا اموالی که در رهن یا اجاره قرار دارند هر چند ممکن است غیر قانونی و جرم باشد موضوعاً سرقت نخواهد بود.<sup>۶</sup>

۳ - نظریه ۲۲۳۷/۷ - ۲۲۳۷/۷ - ۵/۴/۱۳۶۹ - ح. ق. : دفترچه سوخت و کوبن که بابت آن وجهی پرداخت شده و با تسلیم آن کالا به نرخ دولتی دریافت می گردد مالیت دارد. قیمت کوبن تفاوت قیمت کالا در بازار آزاد با قیمت کالا با تسلیم کوبن است.

۴ - نظریه ۹۱۴/۷ - ۱۷/۲/۱۳۷۳ - ح. ق. : چک دارای ارزش مالی است و ربودن آن از مصادیق سرقت است.

۵ - ۱۷/۷ - ۵۰۱۷/۷ - ۱۷/۱۲۷/۱۳۷۸ - ح. ق. : مواد راجع به سرقت، غضب ف تجاوز و تصرف عدوانی ناظر به ربودن یا تصرف غیر قانونی اموال متعلق به غیر است و شامل اخذ و تحصیل و تصرف مال متعلق به شخص تصرف کننده یا تحصیل کننده نمی شود.

۶ - ر. ک به کتاب حقوق جزای اختصاصی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ص ۳۴۶

۷ - نظریه ۲۴۳۰/۷ - ۲۰/۳/۱۳۷۷ - ح. ق. : چنان چه شخصی صندوق صدقات را که در شارع عام نصب شده پنهانی باز و به محتوای آن دستبرد بزند موضوع از مصادیق سرقت است.

## گفتار چهارم: ربایش و پنهانی بودن در سرقت

یکی از ارکان تحقق سرقت در حقوق جزای ایران ربایش است که بدون آن سرقت محقق نخواهد شد و دیوان عالی آن کشور در آرای متعدد خود متذکر این موضوع شده که به شرح گفتارهای ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۸</sup>

## مفهوم ربایش در سرقت

قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در ماده ۱۹۷ از جرم سرقت بدین شرح تعریف نموده «سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی»

به نظر می‌رسد عنصر مادی ربودن در تمامی انواع سرقت‌ها مشترک بوده که با رفتار مادی مثبت قابل تحقق است و اینکه آیا این عمل به وسیله انسان یا ابزار آلات و حیوانات تعلیم یافته می‌تواند صورت بگیرد یا خیر؟ دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود چنین اظهار نظر نمود:

«اگر کسی به وسیله پراکندن کبوتر خود، کبوتر کس دیگری را به دست آورد، چون متعلق و موضوع عمل کبوترهایی است که تحت سلطه غیر بوده و مال منقول به شمار می‌رود، بردن آنها به هر نحوی از انحاء و به هر وسیله که باشد دزدی به اصطلاح قانون کیفر عمومی محسوب می‌گردد و معمول بودن ربودن کبوتر به وسیله مخصوص بین کبوتر بازان موجب خروج عمل از عنوان دزدی نمی‌شود.»

در ربودن یک مفهوم زائد بر بردن مستمر است و آن عنصر متقلبانه است زیرا که بردن توأم با تقلب ربودن نام دارد و البته در این تغییر تقلب به معنای عدم یا عدم آگاهی صاحب مال می‌باشد.

با توجه به تعریف از عمل ربایش، استنباط می‌شود که این فعل زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخص رباینده بر مال دیگری و تصرف و احاطه پیدا کرده و آن را از حیطة تصرفات صاحب مال خارج نماید. نتیجه اینکه ربودن خاص اموال منقول بوده و در اموال غیر منقول که نقل و انتقال آن غیر ممکن است به لحاظ عدم ربایش سرقت تحقق نخواهد یافت.<sup>۹</sup>

در تعریف ربایش چنین آمده است:

«ربودن در جرم سرقت عبارت است از خلع ید کردن مالک از مالکیت به وسیله یک عمل مادی خارج مثل اینکه شخصی وارد انبار یک کارخانه شود و مقداری از کالا را خارج و سپس بفروشد در این جا سارق کالای مربوط به کارخانه دار را با عمل مادی خود از تصرف وی خارج و از انبار بیرون برده است.»

به نظر می‌رسد که در حقوق ایران نیز صرف رضایت ظاهری مالک مال در دادن مال خود به دیگری موجب عدم تحقق عنصر ربایش نشود، بنابراین کسی که با تهدید کردن به وسیله اسلحه مال دیگری را گرفته و می‌گریزد یا مالی را به بهانه دیدن از مغازه دار گرفته و فرار می‌کند از نظر قانون ایران مرتکب عمل ربایش و در نتیجه سرقت می‌شود هر چند که این عمل سرقت مستوجب حد نبوده و در کتاب‌های فقهی نیز بحث عنوان سرقت (که درلسان فقها معمولاً قنط به سرقت مستوجب حد اطلاق می‌شود) مورد بحث قرار نگرفته است ولی هر گاه مالک یا متصرف قانونی به میل وارده خود مال خود را به دیگری تسلیم کرده باشد هر چند در اثر اشتباه باشد، سرقت تلقی نخواهد شد زیرا عنصر مادی ربودن مال در این امر منتفی است مثل اینکه کسی در مقابل قیمت جنس اشتباهاً به جای اسکناس یک هزار ریالی اسکناس ده هزار ریالی بدهد و فروشنده جنس عالمناً عمداً بقیه آن را پس ندهد. این عمل سرقت نیست و طلبکار می‌تواند مطابق مقررات قانون مدنی بقیه پول را توسط دادگاه مدنی مطالبه کند.<sup>۱۰</sup>

۸- ر.ک به مقاله ی «بررسی سرقت» نوشته دکتر میر سیدی مدرس دانشکده علوم قضائی

۹- ر.ک به کتاب حقوق جزای اختصاصی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ص ۴۳۷

۱۰- ر.ک به کتاب حقوق جزای اختصاصی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ص ۴۳۷

## پنهانی بودن در سرقت

در خصوص پنهانی بودن سرقت قانون گذار در سال ۱۳۶۱ آن را از شرایط تحقق در قانون حدود و قصاص قید نموده که مواد ۲۱۲-۲۱۵ آن قانون اشاره به این موضوع داشته است. ماده ۲۱۲ چنین قید نموده است:

«انسان مال دیگری را به طور پنهانی برآید» و ماده ۲۱۵ همین قانون سرقت حدی را به صوت مخفیانه قید کرده، چنین استنباط می شود که شرط پنهانی بودن مربوط به سرقت های حدی بوده و در سرقت تعزیری چنین شرطی نبوده است.

در سال ۱۳۷۰ قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی سرقت را بدین شرح تعریف کرده است: « سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به صورت پنهانی»

در مفهوم پنهانی بودن سرقت نظرات مختلفی ارائه گردیده که آن را مرور می کنیم.

دو تفسیر از پنهانی بودن در ماده ۲۶۸ می توان ارائه داد:

اولاً می توان گفت که منظور از عبارت به طور پنهانی در ماده ۲۶۸ به عنوان یک شرط عدم برای سرقت بدون آگاهی و رضایت صاحب مال استف بنابر این اگر صاحب مال با رضایت خود مثلاً در نتیجه گول خوردن مالش را در اختیار مجرم قرار دهد عمل ارتكابی سرقت (اعم از مستوجب حد یا تعزیر) نخواهد بود مگر اینکه فرد خدشه پذیر باشد مثل رضای شخص هیبنوتیزم شده در دادن مال خود به دیگری، که رضایت واقعی محسوب نمی گردد.

از این نکته اخیر در می یابیم که نمی توان به صرف اینکه کسی مالش را به دست خود به دیگری داده است جرم سرقت را به دلیل رضایت ظاهری صاحب مال در اعطای مال محقق ندانست. بنابراین عمل کسی که از ساعت مچی دیگری تعریف کرده و از مالک می خواهد که آن را به وی بدهد و بعد از گرفتن آن می گریزد یا عمل خریداری که جنس را از صاحب مغازه می گیرد که آن را امتحان کرده و در صورت پسندیدن بخرد از میان سه جرم کلاهبرداری، خیانت در امانت و سرقت به جرم سرقت نزدیک تر است چرا که عنصر متوسل به وسایل متقلبانه یا سپردن برای تحقق جرائم کلاهبرداری یا خیانت در امانت به مفهوم دقیق کلمه در این موارد وجود ندارد.

ثانیاً: این که قانون گذار این قید را فقط برای سرقت مستوجب حد در نظر داشته است مخصوصاً این که عنوان مذکور در بالای ماده ۲۶۸ این است: (باب هشتم، حد سرقت) - فصل اول: تعریف شرایط - بنابراین ماده ۲۶۸ با توجه به عنوان و بر خلاف ظاهر آن در واقع در مقام تعریف سرقت مستوجب حد است.

یکی از حقوق دانان که پنهانی بودن عمل همواره لازمه تحقق سرقت تعزیری نیست و در شرح آن چنین می فرمایند:<sup>۱۱</sup> بعضی در تعریف سرقت تعزیری گفته اند: سرقت تعزیری عبارت است از اینکه انسان مال دیگری را به طور پنهانی برآید، این تعریف جامع و مانع نیست زیرا مخفیانه بودن عمل در سرقت ساده یا به تعبیر حقوق جزای اسلامی در سرقت تعزیری همواره لازمه تحقق سرقت نیست.

البته لازم به توضیح است که اسناد فوق اشاره ای به ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی که موخرالتصویب بوده نداشته است و نظر خود را با توجه به تعریف در ماده فوق و نیز حذف آن در قسمت شرایط سرقت مستوجب حد ارائه نموده و علت حذف از نظر قانون گذار نیز مورد بحث قرار نگرفته است.

آنچه که به نظر می رسد این است که قانون گذار شرایط پنهانی بودن را در ماده ۲۶۸ به صورت مطلق برای سرقت های حدی و تعزیری آورده است و دلیل این ادعا این که در جای دیگری اساساً سرقت تعریف نگردیده مضافاً اینکه از شرایط حدی نیز خارج نموده که به صورت عام شامل هر دو سرقت گردد.

البته آنچه در کتب فقهی قید شده است سرقت های غیر پنهانی را تحت عناوین دیگر بیان نموده اند:

شهید ثانی: مستلک کسی است که مال را به طور آشکار می رباید و فرار می کند و مختلس کسی است که مال را به طور پنهانی از غیر حرز می رباید.

و اما بحث دیگری مطرح است اینکه، منظور از مخفیانه یا دور از چشم بودن عمل سرقت چیست؟ آیا عمل باید از دید صاحب مال مخفی باشد یا از دید سایر مردم؟

هر گاه نظر اول را بپذیریم موردی را که صاحب مال اتفاقاً شاهد و ناظر جریان سرقت بوده اما بنا بر دلایلی (مثلاً ترس از سارق) هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورده است نباید مخفیانه بدانیم و اگر نظر دوم پذیرفته شود مشاهده اتفاقی جریان سرقت توسط افراد دیگر (مثلاً همسایگان) موجب پنهانی محسوب نشدن آن خواهد شد به نظر می رسد که هیچ یک از دو تفسیر صحیح نباشد منظور از قید مخفیانه یا پنهانی آن نیست که مالباخته یا دیگران به هیچ وجه نباید شاهد ارتکاب سرقت بوده باشند بلکه منظور از آن توسط سارق به پنهان کاری است و این گونه تفسیر از کلمات علن و خفا در حقوق جزا کاملاً شناخته شده است. برای مثال وقتی از کتاب ارتکاب اعمال منافی عفت به طور علنی یا توهین علنی به اشخاص سخن می گوئیم منظورمان این است که این گونه اعمال با توهین یا در حضور شاهد و یا در مکان هایی انجام شوند که معد برای حضور اشخاص می باشند (از قبیل امکان عمومی یا معابر) هر چند که در آن لحظه اتفاقاً هیچ کس در آن محل حاضر نباشد<sup>۱۲</sup>

### مبحث دوم شرایط مربوط به مال مسروقه

مال مسروقه در قانون جزای ایران باید دارای اوصاف و شرایطی باشد که سرقت نسبت به آن قابل تحقق و نیز سارق تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد که با توجه به آرا صادره منقوض از ناحیه دیوان عالی کشور به شرح ذیل موضوع را بررسی می نماییم:

#### گفتار اول: مالیت داشتن

موضوع سرقت باید مال باشد بنابراین اگر چیزی از نظر عرف مال محسوب نگردد و یا قانوناً قابل تملک نباشد نمی تواند موضوع جرم سرقت قرار گیرد. نیز آنچه مسلم است مال باید منقول باشد تا قابل سرقت باشد. اینکه از نظر حقوق جزا مال چه مفهومی می تواند داشته باشد آقای دکتر آزمایش معتقدند که: اگر هدف مقنن از جرم دانستن سرقت، حمایت از نظم عمومی از طریق جلوگیری از تجاوز به حریم مالکیت باشد شی موضوع سرقت است ولی غرض مقنن حمایت و حفظ سرمایه های ملی باشد که متشکل از مجموع سرمایه های افراد است در این صورت مال موضوع جرم است و معتقدند که در یک جامعه منظم باید شی مورد حمایت قانونگذار باشد تا حریم مالکیت افراد از تعرض مصون بوده و نظم عمومی نیز حفظ شود. آنچه که در تعریف سرقت آمده است مال است بنابراین شی که مال محسوب نگردد را نمی توان قابل سرقت دانست البته در سرقت حدی همان طور که مورد بحث قرار گرفته است مالیت داشتن نیز شرط و اساساً باید به نصاب مالی نیز برسد. نیز قابل ذکر است که قانون گذار در ماده ۱۱۰ قانون تعزیرات کلمه شی را ذکر کرده بود که در ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شی را به مال تبدیل نموده است و این شائبه وجود ندارد که موضوع سرقت نیز باید مال بوده و مالیت داشته باشد.

#### گفتار دوم: تعلق دیگری

برای اینکه سرقت تحقق یابد شرط است که مال مسروقه متعلق به سارق نداشته باشد و این شرط به سهولت از ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی از تعریف سرقت قابل استفاده است و آنچه که مسلم است اینکه در زمان سرقت مال متعلق به شخص دیگری اعم از حقیقی یا حقوقی باشد در چند بند موضوع فوق را مورد بررسی قرار می دهیم.<sup>۱۳</sup>

۱۲- ر.ک کتاب جرائم علیه اموال و مالکیت دکتر حسین میر محمد صادقی ص ۱۷۹.

۱۳- ر.ک به کتاب حقوق جزای اختصاصی نوشته دکتر ایرج گلدوزیان ص ۳۶۱

**(۱) عدم تعلق مال مسروقه به سارق**

اگر کسی مال خود را نزد دیگری است برباید اساساً عنوان سرقت نخواهد داشت چرا که عنصر مادی جرم سرقت تحقق نیافته است و اساساً مال در مالکیت شخص دیگری نبوده بلکه در مالکیت سارق می باشد. بنابراین مال مسروقه باید متعلق به دیگری باشد اعم از اینکه آن مال سابقاً متعلق به سارق بوده و فعلاً نیست و یا تعلق قطعی مال به او منوط به انجام شرایطی باشد به عنوان مثال کسی وعده فروش خودروی متعلق به خود را به دیگری می دهد و خریدار نیز حاضر به خرید آن می شود ولی قبل از قطعیت معامله و پرداخت کل قیمت آن ماشین را می دزدد در این صورت چون معامله به طور قطعی صورت نگرفته عمل رباینده سرقت محسوب می شود دیوان عالی کشور در این خصوص چنین اظهار نموده که حکایت از تعلق مال به دیگری در شرط تحقق سرقت داشته:

**(۲) سرقت مال مشاع**

در این خصوص به دو طریق می توان استدلال کرد:

نظریه اول: نظر به اینکه در مال مشاع هر یک از شرکاء حق تصرف در جزای آن مال را دارند بنابراین تصرف شریک در مال مشاع به اعتبار مالکیت او سرقت نمی باشد اگر چه از نظر مدنی ضامن است. نظریه دوم: در سرقت از مال مشاع چون جزء جزء آن به شرکاء تعلق دارد اگر یکی از شرکاء در مال مشاع تصرف غیر مجاز کند اقدام او از این جهت مجرمانه و سرقت شناخته می شود.

در سرقت مستوجب حد برخی از فقهای عظام می فرمایند که سرقت از مال مشترک و یا مال غنیمت سرقت موجب حد نمی باشد و تعزیر می شود و پاره ای دیگر از فقها معتقدند اگر کسی بیش از حصه خود از مال مشترک یا مال غنیمت برده باشد و این اضافی به حد نصاب برسد سرقت مستوجب حد خواهد بود.

و نیز برخی از صاحب نظران اسلامی مانند شافعی و مالک ابن انس معتقدند که هر گاه طلبکار بیش از طلب خود از مال مدیون بردارد به دلیل وجود شبهه کیفر حد سرقت بر وی جاری نخواهد شد. در هر صورت میان فقها نیز همان دو نظر فوق الذکر مشاهده می شود این اختلاف آراء ناشی از وجود دو دسته روایات در این زمینه می باشد. مطابق روایات دسته اول که مورد استناد فقهای چون شیخ مفید و فخر المحققین قرار گرفته است، سرقت شریک از مال مشترک یا مال غنیمت یا بیت المال هیچگاه مستوجب حد نمی گردد ولی مطابق روایات دسته دوم که مورد استناد اکثریت فقها از جمله شیخ طوسی، علامه حلی قرار گرفته است. هر گاه بیش از حصه خود از مال مشترک یا مال غنیمت برباید و این اضافی به حد نصاب برسد سرقت وی مستوجب حد خواهد بود.

**گفتار سوم: دولتی و موقوفه نبودن اموال مسروقه در سرقت حدی**

چنان چه اموال مسروقه مالک شخصی نداشته باشد قانونگذار سرقت چنین اموالی را از موجبات قطع ید ندانسته و در صورت ارتکاب بزه توسط مرتکب از مجازات قطع ید معاف خواهد بود.

در برخی از نظام های حقوقی سرقت این گونه اموال نه تنها موجب تخفیف مجازات سارق نمی شود بلکه باعث تشدید نیز می گردد بر عکس در حقوق اسلامی به نظر برخی فقها سرقت این گونه اموال که مالک شخصی ندارند موجب تخفیف مجازات سارق از حد به تعزیر می گردد. بعضی از فقهاء معتقدند که چون از نظر فقه اسلامی در وقف خاص مال موقوفه در واقع به ملکیت موقوف علیه در می آید دزدیدن آن می تواند مستوجب حد گردد لیکن مستفاد از ظاهر بند فوق ( بند ۱۶ از ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰) آن است که تفاوتی بین وقف عام و خاص وجود ندارد بنابراین سرقت از مال موقوفه چه در وقف عام و چه خاص مستوجب حد نخواهد شد مخصوصاً با توجه به اینکه از نظر قانون ما وقف عبارت است از حبس عین و تسبیل منافع بنابراین قید « مالک شخصی ندارد» مذکور در بند ۱۶ در مورد هر دو نوع وقف عام و خاص از نظر قانون ما



مصدق پیدا می کند این نظر با اصل تفسیر نصوص جزایی به نفع متهم نیز سازگار بوده و از این لحاظ باید به نظر مخالف که این حکم را تنها شامل وقف عام می داند برتری داده شود.

#### مبحث چهارم: شرایط مربوط به سارق در سرقت حدی

یکی از شرایط لازم جهت تحقق سرقت مستوجب حد عدم اضطرار و عدم اعاده مال به مالک می باشد که توسط صاحب نظران حقوق و فقها و نیز قانون موضوعه مورد بحث قرار گرفته است در این مبحث به شرح ذیل موضوع را بررسی می نماییم:

#### گفتار اول: سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد

در تعریف بلوغ آمده است «البلوغ نضج الوظائف الجنسه» یعنی منظور از بلوغ رسیدن و کمال وظائف جنسی است. سن بلوغ شرعی در تبصره (۱) ماده ۱۲۱۰ «قانون مدنی» برای پسر پانزده سال تمام قمری و برای دختر نه سال قمری تعیین شده است. عدم مسئولیت کیفری اطفال در حقوق قدیم پذیرفته نشده بود لیکن در اسلام طی روایات متعددی مورد تاکید قرار گرفته است که روایات «رفع قلم» در این زمینه قابل ذکر می باشند از قبیل این حدیث که «رفع القلم عن الثلاثة: عن الصبی حتی یحتمل و عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یستقیظ» یعنی بار تکلیف از سه گروه برداشته شده است: از کودک تا زمانی که به سن بلوغ برسد و از مجنون تا زمانی که بهبود یابد و از شخص تازمانی که بیدار شود. در روایت دیگری عمد و خطای کودک یکسان دانسته شده است: «عمد الصبی و خطاه واحد».

#### گفتار دوم صاحب مال را در حرز قرار داده باشد

پیروان مکتب ظاهری با استناد به عموم آیه ی سرقت اجرأیحد علیه سارق را منوط به در حرز قرار داشتن مال مسروق نکرده اند لیکن سایر فقها این را یکی از شرایط سرقت مستوجب حد محسوب کرده اند ابهامی که در ماده ۱۹۸ وجود دارد این است که آیا برای تحقق شرط حرز مال آن گونه که برخی از فقها گفته اند «بفعل مالکه اومن شبه المالک» یعنی به وسیله مالک یا کسی که در حکم اوست در حرز قرار داده شده باشد یا صرف در حرز قرار داشتن مال کفایت می کند؟ برداشتی که از این جمله می شود که این تفسیر به نفع متهم است.

سارق به تنهایی یا به کمک دیگری هتک حرز کرده باشد.

کسی را می توان به سرقت مستوجب محکوم کرد که به تنهایی و یا با مساعدت دیگری هتک حرز کرده باشد والا اگر او هیچ شرکتی در عملیات اجرایی هتک حرز نداشته باشد حتی در صورت خارج کردن مال از حرز وی را نمی توان به سرقت مستوجب حد محکوم کرد.

تاکید مجدد بر این نکته ضروری است که فرد باید در هتک حرز به تنهایی یا به همراه دیگری «مباشرت» داشته باشد نه این که تنها در آن معاونت کند مثلاً کلید بازکردن در حرز را به دیگری بدهد. به علاوه هتک حرز لازم نیست حتماً به قصد سرقت انجام گیرد بلکه حتی اگر کسی به قصد تخریب به هتک حرز دست زند و پس از آن تصمیم به سرقت گیرد و مالی را از درون حرز بر باید عمل وی را می توان با وجود سایر شرایط سرقت مستوجب حد دانست. به اندازه نصاب یعنی ۴/۵ نخود طلای مسکوک که به صورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هر بار سرقت شود از نظر قانون ما اشیایی مثل کتاب مال محسوب شده و در صورتی که ارزش آن به حد نصاب برسد مجازات علیه رباینده آنها در صورت وجود سایر شرایط قابل اجراء خواهد بود بنابراین اگر کسی در سرقتهای مختلف اموالی را برآید ارزش مجموع آنها به حد نصاب می رسد لیکن ارزش هر یک به تنهایی کمتر از حد نصاب است وی مرتکب چند سرقت محسوب تعزیز شده است و نه یک سرقت مستوجب حد.

حرز و محل نگهداری مال از سارق غضب نشده باشد.

حرزی که از مالک آن غضب شده است نمی تواند نسبت به مالک از حرمتی برخوردار باشد زیرا مالک حق ورود به ملک غضبی خود را در هر زمانی که بخواهد دارد بنابراین وی را نمی توان هاتک حرز و به تبع آن سارق مستحق حد دانست هر چند که وی در صورت ربودن اشیای متعلق به غاصب از درون حرز سارق محسوب شده و ممکن است به سرقت تعزیز محکوم گردد. مال مسروق در حرز نگهداری شده باشد.

به نظر برخی ز فقها هر جایی که حرز چیزی باشد حرز اشیای دیگری نیز خواهد بود تناسب حرز با مال را عرف تعیین می کند در این زمینه شهید ثانی اظهار می دارد: سزاوار است در معنای حرز به عرف رجوع شود و معنی آن بر حسب اموال مصادیق مختلفی پیدا می کند حرز نقود و جواهر صندوق های مقفل و مغلق است در آبادی ها حرز جامه ها و متاع سبک مس آلات دکان ها و اتاق های مقفل است یا مخزن های آنها مانند کمد و اشکاف که مقفل باشد اگرچه در دکان و اتاق باز باشد و اصطبل مقفل حرز چهارپایان است. حرز گله در چراگاه چشم چوپان است. همین طور جیب باطن انسان حرز است نسبت به محتوای درون جیب به خلاف جیب ظاهر که صدق حرز نمی کند. به پیروی از همین استدلال بسیاری از فقهای شیعه و سنی قبر را حرز کفن و نبش کننده قبر را که قصد سرقت کفن قبر را می شکافد مستحق حد می دانند در ماده ۶۳۴ قانون تعزیرات مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال را برای کسی که نبش قبر کرده و تعیین کرده که هرگاه وی جرائم دیگری را مرتکب شده باشد به مجازات آنها هم محکوم خواهد شد.

#### گفتار سوم: سارق پدر صاحب مال نباشد

برخی از فقها از قبیل ابن ثور و ابن المنذر سرقت پدر از مال فرزند را به دلیل عموم آیه سرقت موجب حد می دانند لیکن بسیاری از فقها با استناد به روایت «انت و مالک لایبک» که منسوب به پیامبر بوده و بر تعلق شخص و اموال وی به پدرش تاکید دارد معتقدند که هر گاه پدر مال فرزند خود را سرقت کند حد بر وی جاری نخواهد شد. فلسفه وضع این حکم شاید وجود این شبهه باشد که با توجه به وجوب انفاق فرزند توسط پدر اموال فرزند در واقع از پدر ناشی شده است و بنابراین حد را با وجود چنین شبهه نباید اجرا کرد.

#### گفتار چهارم: سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد

قانون گذار تعریفی از سال قحطی ارائه نکرده و تشخیص آن را به نظر عرف واگذار کرده است. نکته مسلم آن است که خصوصیتی در لفظ سال وجود ندارد. دلیل اشاره به سال قحطی در کتب فقهی آن باشد که در قدیم چون مردم از کشت همان منطقه در طول سال بهره مند می شدند در صورت ثمر ندادن محصول به دلیل خشکسالی مردم در طول سال مبتلا به قحطی بودند. در شرایط فعلی بهتر بود که قانون گذار به ججای سال قحطی از عبارت دوران قحطی یا زمان قحطی استفاده می کرد. در هر صورت در مورد ارتکاب سرقت در زمان قحطی دو نظر بین فقها وجود دارد:

۱- تنها سرقت مواد خوراکی در دوران قحطی مستوجب حد نمی گردد. برخی از طرفداران این نظر علاوه بر قید خوراکی بودن قیده‌های دیگر مثل متعذر و غیر قابل دسترس بودن مواد خوراکی برای سارق را نیز برای سقوط حد لازم دانسته اند و بدین ترتیب در واقع مرز بین سرقت در سال قحطی و سرقت از روی اضطرار را تقریباً از میان برداشته اند.

۲- نظر دوم که مورد قبول اکثریت فقهای شیعه قرار گرفته است سرقت هر چیزی اعم از خوراکی یا غیر خوراکی در دوران قحطی موجب سقوط حد می گردد. زیرا در هر حال این شبهه ایجاد می شود که شاید قصد سارق تبدیل مال ربوده شده به مواد خوراکی بوده است.

**مبحث هشتم: شرایط حد سرقت****گفتار اول: شرایط سرقت حدی در حقوق:**

شرایط حد سرقت که به طور عمده در ماده ۲۶۸ ق.م.ا.پ. پیش بینی شده به چند دسته تقسیم می شوند: برخی از آنها شرایط عمومی تکلیف بوده و لازمه پذیرش مسئولیت اخلاقی برای مجرم می باشد، مانند: بلوغ، عقل و اختیار، برخی به عنوان عوامل موجه جرم محسوب می شوند مانند اضطرار، تعدادی تشکیل دهنده رکن معنوی جرم هستند (اعم از قصد عام و خاص) مانند علم به تعلق مال به غیر و علم به حرمت و قصد انجام فعل و قصد سرقت، بنابراین، شرایط یاد شده اصولاً اختصاص به سرقت ندارند. از سویی دیگر شرایطی که اختصاص به سرقت حدی دارند یا مربوط به مال مسروق هستند و یا شرایط سارق و یا شرایط نفس سرقت محسوب می شوند. پیش از بررسی ماده ۲۶۸، تذکر دو نکته ضروری است: اولاً همان گونه که بیان شد بسیاری از شرایط یاد شده، اختصاص به شرکت نداشته و مربوط به همه جرایم هستند از این رو مناسب بود قانون گذار در این مورد به ذکر همان مواد عمومی قانون مجازات اسلامی (مواد ۴۹ به بعد) اکتفا کند. ثانیاً قانون گذار در شرایط حد سرقت نیز ترتیب منطقی را رعایت نکرده است برای نمونه بند چهار تا شش و بند چهارده مربوط به رکن معنوی است بندهای هفت، هشت، سیزده، و پانزده به بیان حرز و مباحث مربوط به آن پرداخته است.

ماده ۲۶۸ مقرر می دارد: سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد:

ماده ۲۶۸- سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است:

الف- شی مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.

ب- مال مسروق در حرز باشد

پ- سارق هتک حرز کند

ث- سارق مال را از حرز خارج کند.

ث- هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.

ج- سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.

چ- ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

ح- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.

خ- سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد.

د- صاحب مال از سارق نزد مراجع قضایی شکایت کند.

ذ- صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

ر- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد.

ز- مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

ژ- مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد

ماده ۲۶۹ ق م ا حرز عبارت از مکان متناسبی است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند.

ماده ۲۷۰ ق م ا در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غضب شده باشد نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق

دسترسی به آن مکان را دارند حرز محسوب نمی شود. ۱۴

**گفتار دوم: شرایط سرقت حدی در فقه امامیه**

زمانی می توان گفت سرقت از نوع سرت حدی است که دارای تمام شرایط زیر باشد شرایط و خصوصیات عبارتست از اینکه:

۱۵

۱۴- نظریه ۴۵۵۵/۷-۲۸/۹/۱۳۶۸ ا.ح.ق. : خیابان و شوارع از مصادیق حرز برای اتومبیل نبوده و سرقت موتور سیکلت و دوچرخه و اتومبیل از کنار خیابان ولو با شکستن قفل و زنجیر هم توام باشد سرقت مال از حرز بشمار نمی آید. در صورتی که اتومبیل در داخل گاراژ و یا حیاط پارک شده باشد این نوع محلها عرفاً حرز برای اتومبیل شناخته می شود.

- ۱- سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد.
- ۲- سارق در زمان سرقت عاقل باشد
- ۳- سارق با تهدید و اجبار (زور) وادار به سرقت نشده باشد.
- ۴- سارق قاصد باشد، منظور آن است که سارق قصد سرقت داشته باشد و از روی شوخی یا بی هوسی یا در حالت خواب مرتکب عمل نشده باشد.
- ۵- سارق در زمان سرقت بداند که مالی که می رباید مال دیگری است بنابراین اگر فکر کند دارد مال خود را بر می دارد سرقت محسوب نمی شود
- ۶- سارق بداند که ربودن (سرقت) آن مال حرام است.
- ۷- صاحب مال، مال را در حرز قرار داده باشد: توضیح آن که منظور از حرز عبارتست از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد، مثلاً قرار دادن پول در گاوصندوق.
- ۸- مال مسروق (دزدیده شده) در حرز متناسب نگهداری شده باشد.
- توضیح: باید مال در حرز متناسب باشد بنابراین اگر سارقی به خانه ای برود و در حیاط خانه میلیون ها تومان زیورآلات پیدا کند و آن را بدزدد این سرقت سرقت حدی نیست چرا که محل نگهداری زیورآلات در حیاط خانه نیست. بنابراین هر مال باید متناسب با ارزششان در جای مناسبی نگهداری شود.
- ۹- سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد.
- توضیح: در سرقت حدی باید کسی که مال را می رباید و کسی که هتک حرز می کند یهنی هرز را می شکند یا باز می کند یکی باشد. بنابراین اگر حسن در گاوصندوق را باز کند و حسین پول و اموال گاوصندوق را بیرون آورد نه حسن و نه حسین هیچکدام شامل سرقت حدی نمی شوند ولی اگر هر کدام به تنهایی یا با هم در گاوصندوق را باز کنند و هم پول را بیرون آورند شامل سرقت حدی می شوند.
- ۱۰- باید ارزش مال دزدیده شده به اندازه ۴/۵ نخود طلای مسکوک یا ارزش آن به مقدار آن باشد که ۴/۵ نخود طلا می شود تقریباً ۱/۴ دینار. بنابراین اگر سرقت کمتر از این مقدار باشد سرقت، سرقت حدی نیست.
- ۱۱- سارق مضطر نباشد: منظور آن است که شخص سارق از روی ناچاری دست به دزدی زده باشد بنابراین اگر سارق برای سیرکردن شکم خود چاره ای جز دزدی نداشته باشد سرقت او سرقت حدی نیست (بنابراعه الضرورات توبیح المحظورات)
- ۱۲- سارق پدر صاحب مال نباشد. بنابراین اگر سارق (دزد) پدر کسی باشد که دارد مال را از او می دزدد دیگر مشمول سرقت حدی نمی شود. پدر پدر نیز یعنی پدربزرگ اگر از نوه خود مالی بدزدد شامل سرقت حدی نشده است بنابراین اگر پدر از فرزند خود یا پدربزرگ (پدر پدری) از نوه خود مالی بدزدد حد سرقت بر او جاری نمی شود (بنابر قاعده فقهی انت و مالک لایبک).
- ۱۳- سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد بنابراین اگر بر اثر قحطی افراد مرتکب سرقت شوند سرقت حدی محسوب نمی شود.
- ۱۴- حرز و محل نگهداری مال از سارق غضب نشده باشد اگر محل نگهداری و حرزی که مال در آنها هست از سارق غضب شده باشد اگر سارق مال داخل حرز را بدزدد شامل سرقت حدی نگشته است.
- ۱۵- سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد بنابراین اگر سارق به خاطر شوخی مال را برداشته باشد و قصد دزدی را نداشته باشد دیگر شامل سرقت حدی نیست.
- ۱۶- مال مسروق از اموال دوستی و وقف و مانند آن که مال شخصی ندارد نباشد بنابراین به سرقت از اموال دولتی و وقف شامل سرقت حدی نیست.

۱۵ - نظریه ۴۴۰۸-۲۶/۴/۱۳۷۲ شورای نگهبان: مراد از تبصره ۴ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۸/۵/۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی این است سارق از سرقت پشیمان شده توبه نماید و از این جهت پیش از آنکه مسروق منه شکایت کند به اختیار خود مال را تحت ید وی قرار دهد تا بید شورای نگهبان نسبت به تبصره مذکور مبنی بر استظهار فوق بوده است وگرنه سقوط حد به مجرد تسلیم مال به مسروق منه (مالک) خلاف موازین شرعی است.

نکته اول: اگر سارق قبل از بیرون آمدن مال از حرز (محل مناسب برای نگهداری مال) دستگیر شود و حد بر او جاری نمی شود و مشمول سرقت حدی نگشته است.

نکته دوم: هر گاه سارق پس از سرقت و قبل از اینکه شخص برود و شکایت کند مال را به صاحب مال پس گرداند سارق مشمول سرقت حدی نمی شود.

شرایط دیگر سرقت حدی: به غیر از ۱۶ شرطی که برای اجرای سرقت حدی بیان شد چند شرط دیگر نیز وجود دارد که در زیر آورده می شود:

۱- صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند. بنابراین اگر سرقت شاکی نداشته باشد شخص به مجازات سرقت حدی نمی رسد و فقط مجازات سرقت تعزیری بر او تحمیل می شود.

۲- صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد.

۳- قبل از اینکه جرم سرقت نزد قاضی ثابت شود مال مسروق از راه خرید و مانند آن به ملکیت سارق در نیاید.

۴- صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق بخشیده باشد.

۵- سارق قبل از این که جرم سرقت ثابت شود توبه نکرده باشد.

نکته: گذشت شاکی بعد از ثبوت جرم موثر نیست و حد جاری می شود.

آیه ۲۸ سوره مائده

«والسارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما جزا بما کسبا نکالاً من الله»

از نظر لغوی سرقت کلمه ای است عربی از ماده «سرق» به فتح یا کسر راء به معنای دزدیدن «و مصدر آن «سرقه» است.

قانون گذار در ماده ۲۶۸ ق.م.ا سرقت را چنین تعریف نموده است:

«ربودن مال دیگری به طور پنهانی»

پنهانی بودن در تعریف سرقت مربوط به سرقت مستوجب حد است با حذف صفت «پنهانی» باید صفت دیگری را که از ارکان ربودن است جایگزین آن کنیم و آن «ربودن متقلبانه» است.

با این وصف سرقت عبارت است از ربودن متقلبانه مال منقول متعلق به غیر.

## مبحث ششم سرقت های دارای مجازات مشدد

### گفتار اول: سرقت حدی مشدد

(۱) سرقت مسلحانه

برداشتن و ربودن مال غیر متعلق به دیگری با استفاده از سلاح (سرد یا گرم) مراد از مسلحانه صرفاً مسلح بودن سارق است و از سلاح خود در حین سرقت استفاده عملی بکند یا نکند به هر حال سرقت مسلحانه انجام داده است.

(۲) راهزنی

سرقت مسلحانه اگر در راهها و شوارع عام صورت بگیرد، راهزنی است در غیر این صورت مسلح بودن سارق از شرایط تشدید مجازات است که حکم آن در مواد ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۴ ق.م.ا مندرج است. به علاوه با توجه به صراحت مواد ۲۸۱ و ۶۵۳ ق.م.ا در

صورتی که راهزنی و سرقت مسلحانه موجب سلب امنیت مردم شود در این صورت اقدام مرتکب در حکم محاربه است و به یکی از مجازات های مندرج در ماده ۲۸۲ ق.م.ا به انتخاب قاضی محکوم می شود و اگر مرتکب صرفاً مال دیگری را برداشته و

عملش موجب سلب امنیت مردم یا جاده نباشد. به مجازات مندرج در ماده ۶۵۳ محکوم می شود (سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه)

ماده ۲۸۲ ق.م.ا احد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است.

الف) اعدام

ب) صلب

پ) قطع دست راست و پای چپ

ت) نقی بلد

ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است. ماده ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی مدت نقی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست اگرچه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند. ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی در نقی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراد و رفت و آمد نداشته باشد.

### گفتار دوم: سرقت تعزیری

سرقت تعزیری به طور کلی می توان گفت همین که سرقت فاقد جامع شرائط حد باشد سرقت تعزیری است که خود دونهوع است :

الف) سرقت تعزیری ساده

این نوع سرقت در ماده ۶۶۱ ق.م.ا.ع.لنی و فاقد کلیه شرائط اضافی است که برای سرقت های مشدد پیش بینی شده و با ربودن مال غیر بدون علم و اطلاع و رضایت صاحب مال محقق می شود و مجازات آن کمترین مجازات سرقت یعنی سه ماه و یک روز تا ۲ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق می باشد.

ب) سرقت تعزیری مشدد

که به اعتبار تعلق مال به دولت یا وقفی بودن آن چند قسم است:

#### ۱. سرقت اسناد

سرقت نوشته ها، اسناد، اوراق، دفاتر یا مطالب مندرج در دفاتر ثبت و ضبط دولتی که در ماده ۵۴۴ ق.م.ا. مندرج است و مجازات آن ۶ ماه تا دو سال حبس می باشد. سرقت مذکور شامل امانت پستی و دیگر نوشته ها غیر از اسناد و نوشته های مذکور نمی شود ( نظریه مشورتی شماره ۷/۲۰۰-۱۳۸۲/۱/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه )

#### ۲. سرقت توسط امانت دار

به موجب ماده ۵۴۵ ق.م.ا. ...اگر ربودن توسط امانت دار یا مستحفظ اسناد مذکور واقع شود مرتکب به سه تا ده سال حبس محکوم می شود.

#### ۳. عنف مهر

به موجب ماده ۵۴۶ ق.م.ا. در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را برابرد حسب مورد به حداکثر مجازات وارده در موارد مذکور (۲سال یا ۱۰ سال) محکوم می شود در این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل می شود نخواهد بود.

#### ۴. سرقت اموال تاریخی و فرهنگی

به ماده ۵۵۹ ق.م.ا: شرط تحقق جرم موضوع این ماده آن است که :

اولاً : به موضوع جرم اشیاء یا لوازم و مصالح و قطعات آثار فرهنگی، تاریخی باشد.

ثانیاً محل سرقت موزه ها، نمایشگاهها یا اماکن تاریخی و مذهبی یا سایر اماکنی که تحت حفاظت یا نظارت دولت است.

مجازات آن بر اساس بند ۱۶ ماده ق.م.ا. سرقت از اموال دولتی و وقفی و مانند آن (اموال فاقد مالک شخصی) مستوجب حد نیست در عین حال مقنن در حکم خاص در مواد ۵۴۴ و ۵۴۵ سرقت نوشتجات و اسناد و اوراق و نیز سرقت مطالبی که در دفاتر مذکور مندرج است را نسبت به سرقت عادی (ماده ۶۶۱ ق.م.ا) تشدید کرده است.

**۵. سرقت اشیاء و اموال نظامی توسط نظامیان**

سرقت اسلحه و مهمات توسط نظامیان که طبق ماده ۸۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مجازات آن حبس از ۲ تا ده سال است و منظور از سلاح اعم از گرم و سرد است. سرقت وسایل و لوازم نظامی (غیر از اسلحه و مهمات) توسط نظامیان که طبق ماده ۸۹ قانون مذکور مجازات آن حبس ۱ تا ۵ سال است.

**۶. زمان و موقعیت وقوع سرقت، مسلح بودن سارقین و یا هتک حرز**

ماده ۹۰ قانون مذکور که میزان مجازات آن حبس ۳ تا ۱۵ سال است. در فرض داشتن سلاح ظاهر یا باطن، گرم یا سرد، استفاده از آن شرط نیست و اگر سارقین متعدد باشند مسلح بودن یکی از آنها کافی است که اقدام همگی مشمول این ماده قرار بگیرد.

**۷. سرقت اسناد دفاتر ثبت و ضبط نیروهای مسلح**

سرقت نوشته ها، اسناد، اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط نیروهای مسلح مندرج یا در اماکن نظامی محفوظ یا نزد اشخاص سپرده شده است اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط نیروهای مسلح مندرج یا در اماکن نظامی محفوظ یا نزد اشخاص سپرده شده است توسط نظامیان که طبق ماده ۹۱ قانون مذکور میزان مجازات آن حبس از ۲ تا ده سال می باشد و بنابر تبصره ماده مذکور چنان چه امانت دار یا مستحفظ مرتکب جرم موفق شود به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می شود.

سرقت های منجر به اخلاف در نظام یا شکست جبهه اسلام طبق ماده ۹۲ قانون مذکور مجازات آن مجازات محارب (مده ۲۶۸۱ ق.م.ا) می باشد.

**۸. سرقت به اعتبار زمان، مکان، وسایل**

سرقت تعزیری مشدد به اعتبار زمان، مکان وسایل ارتکاب جرم و تعدد مرتکبین: سرقت مقرون به اجتماع ۵ شرط ماده ۶۵۱ ق.م.ا (مقرون به کلیه عوامل مشدده:

۱- سرقت در شب واقع شده باشد.

۲- سارقین دو نفر بیشتر باشند

۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

۴- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مامور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.

۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند. )

که مجازات آن ۵ تا ۲۰ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق می باشند که شدید ترین نوع سرقت تعزیری است برای تحقق این نوع سرقت، تحقق یکی از شرایط چهار بند چهارم با سایر بندها لازم است.

**۹. سرقت همراه با آزار مسلحانه**

سرقت مقرون به آزار و سرقت توسط سارق مصلح: که مجازات آن حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می باشد اگر آزار به حد جرح برسد به صراحت ماده ۶۵۲ ق.م.ا موجب تعدد مادی و حداکثر مجازات (۱۰ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) و

به قصاص جرح نیز محکوم می شود. صرف مسلح بودن مرتکب در حین ارتکاب سرقت کافی است و ضرورتی ندارد که در ضمن از سلاح موجود نیز استفاده شود.

#### ۱۰. سرقت دسته جمعی

سرقت دسته جمعی شبانه مقرون به حمل سلاح موضع ماده ۶۵۴ ق.م.ا برای تحقق جرم موضوع این ماده جمع سه شرط ضروری است:

الف) سرقت در شب واقع شده باشد.

ب) سارقین دو نفر یا بیشتر باشند

ج) احد از سارقین حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد که مجازات آن حبس از ۵ تا ۱۵ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می باشد.

سرقت به اقتضای محل وقوع یا زمان وقوع یا تعدد مرتکبین یا وجود رابطه خاص بین سارق و مال باخته که طبق ماده ۶۵۶ مجازات آن ۶ ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق می باشد.

#### سرقت وسایل عمومی

سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تاسیسات مورد استفاده عموم که طبق ماده ۶۵۹ ق.م.ا مجازات آن حبس از یک تا ۵ سال می باشد و چنان چه مرتکب از کارکنان سازمانهای مربوط باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. اگر وسایل مذکور صرفاً متعلق به بخش خصوصی باشد از شمول این ماده خارج است.

#### راههای ثبوت سرقت و شرایط اجرای حد

ماده ۲۶۸ ق.م.ا در مورد راههای ثبوت سرقت مقرر می دارد: « سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می شود:

۱. شهادت دو مرد عادل.

۲. دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی به شرط آن که اقرار کننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

۳. علم قاضی

#### مبحث هفتم: شرایط اجرای حد

ماده ۲۶۸ ق.م.ا مقرر می دارد در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد:

۱- صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند.

۲. صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد.

۳. صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد.

۴. مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید.

۵. سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد.

تبصره: حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست.

#### نتیجه گیری

نتیجه کلی: با توجه به اینکه کمتر اتفاق می افتد سرقت جامع تمام شرایط حد شناخته شود و تقریباً همه سرقتها که به مراجع قضایی ارجاع داده می شوند سرقت غیر حدی هستند. سرقت عبارت است از این که انسان مال دیگری را به طور پنهانی بریاید. با اینکه فقها در بیشتر ابواب فقه در ابتدا به تعریف موضوع می پردازند اما در خصوص سرقت بدون ارائه تعریف آن به بیان شرایط مستلزم حد پرداخته و تنها برخی از فقها سرقت را تعریف نموده اند که آن هم جامع و مانع نیست قانون مجازات اسلامی سرقت را اعم از سرقت مستلزم حد و سرقت مستلزم تعزیر تعریف و مقرر می دارد: «سرقت عبارت است از ربودن مال



دیگری به طور پنهانی» سرقت تعزیری گاهی به دلیل فقدان شرایط اجرای حد است که سارق را تعزیر می نمایند و گاهی خود عمل مجرمانه سرقت بالذات تعزیری است.

### منابع و مأخذ

- ۱- محشای قانون مجازات اسلامی - دکتر ایرج گلدوزیان - انتشارات میزان - چاپ سوم مرداد ماه ۱۳۸۳
- ۲- کلاهبرداری در نظم حقوق کنونی - علی شراهی ناشر آثار اندیشه - چاپ اول پاییز ۱۳۸۶
- ۳- جرایم فناوری اطلاعات - رساله مقطع دکتری - عبدالصمد خزمشاهی - دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران سال ۱۳۸۴
- ۴- کلاهبرداری - مهدی سالاری - انتشارات میزان - چاپ اول زمستان ۱۳۷۶
- ۵- جرایم علیه اموال و مالکیت - دکتر حسین میر محمد صادقی - انتشارات میزان - چاپ پانزدهم پاییز ۱۳۸۵
- ۶- رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه عمومی جزایی - معاونت آموزش قوه قضائیه - جلد پنجم - ۱۳۸۵
- ۷- کلاهبرداری در حقوق ایران - دکتر محمد جعفر حبیب زاده - انتشارات دانشگاه شاهد - چاپ اول ۱۳۷۴
- ۸- علل نقض آرای کلاهبرداری و سرقت در دیوان عالی کشور - معاونت آموزشی قوه قضائیه چاپ اول ۱۳۸۷
- ۱۰- جرایم فناوری اطلاعات - رساله مقطع دکتری - عبدالصمد خرمشاهی - دانشگاه حقوق و علوم سیاسیدانشگاه تهران سال ۱۳۸۴
- ۱۱- یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی جلد ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
- ۱۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۱۳۶۳
- ۱۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، گنج دانش، ۱۳۸۱
- ۱۴- حبیب زاده، دکتر محمد جعفر، ۱۳۷۷، فقهی دانشور، (فصل نامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد)، س ۶، ش ۲۱
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۸، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
- ۱۶- رسولیان، حرمت الله، شروع به جرایم مستوجب مجازات در حقوق کیفری ایران (پایان نامه) دانشگاه مازندران، ۱۳۸۲
- ۱۷- سجادی، دکتر محمد جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، جلد ۱، شرکت مولفان و مترجمان ایران،
- ۱۸- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۲، ویستار، ۱۳۷۵
- ۱۹- حسین میر محمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و هشتم، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ۲۰- حسین میر محمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ بیست و چهارم، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ۲۱- زراعت، دکتر عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، ققنوس، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
- ۲۲- سجادی، دکتر محمد جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، جلد ۱، شرکت مولفان و مترجمان ایران،
- ۲۳- شکری، رضا، و قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، مهاجر، ۱۳۸۲.
- ۲۴- کاری یو، روبرو، مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵-۱۳۸۱
- ۲۵- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات حقوق جزای عمومی)
- ۲۶- مهرا، نسربین، «ترمیمی» شدن عدالت کیفری در انگلستان و ویلز، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، تهران، سمت، ۱۳۸۲
- ۲۷- مهرا، نسربین، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۸، ۱۳۸۲
- ۲۸- میر محمد صادقی، حسین، طبقه بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵-۱۳۷۸

- ۲۹- نجفی ابرندی آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۸
- ۳۰- زندی ف محمدرضا، (معاون قضایی، آموزش و تحقیقات علمی دادگستری کل استان تهران) مروری بر قوانین و مقررات برجسته حقوقی و کیفری، ۷۹-۸۰، اصفهان، نشر دادیار، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۳۱- حسین میر محمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، نشر میزان، ۱۳۹۲